

## مطالعه تطبیقی ساختار قوای سه‌گانه در نظام حقوقی ایران و ژاپن

سیدمحمد مهدی غمامی<sup>۱</sup>، سیدحسن حسینی<sup>۲</sup>، علی هادی‌زاده<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشیار دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق(ع)

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق عمومی دانشگاه امام صادق(ع)

<sup>۳</sup> کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق عمومی دانشگاه امام صادق(ع) (نویسنده مسئول)

### چکیده

تئوری تفکیک قوا سبب شکل‌گیری نظام‌های حقوقی مختلف از جمله؛ نظام ریاستی، پارلمانی و نیمه‌ریاستی-نیمه‌پارلمانی برای جلوگیری از تجمیع قدرت نهادی و تخصصی شدن امور هم‌جنس در سه حوزه تقنین، اجرا و قضا شده است. با توجه به الگوهای محقق شده از تئوری تفکیک قوا، روش مطالعه تطبیقی تجویزی، ضمن انجام توصیف برای تحقق مطلوب‌تر الگوهای هم‌کارکرد، پیشنهادهای را نیز ارائه می‌دهد. از این جهت، مطالعه تطبیقی تجویزی برای نظام حقوقی ایران که گرایش به بهبود الگوی تفکیک‌قوای خود دارد و مقام رهبری بعد از اصطکاک‌های عمده قوه مجریه با سایر قوا در ۱۳۹۰/۷/۲۴ به‌طور جد این ایده را مطرح ساختند، اهمیت دوچندان دارد. براین اساس، نگارندگان در این مقاله با توجه به توفیق ژاپن در ترسیم نظام حقوقی با ثبات، موفقیت اقتصادی آن و همچنین قرابت نظام حقوقی آن با ایران از جمله در قوه مجریه دو رکنی، در صدد مطالعه‌ی تطبیقی تجویزی تفکیک‌قوا در ایران و ژاپن برآمده‌اند. نگارندگان در پاسخ به این سؤال که «مدل تفکیک‌قوا در ژاپن با مدل استقلال‌قوا در ایران (اصل ۵۷ قانون اساسی) واجد چه وجوه مطالعه تطبیقی از حیث افتراق و اشتراک هستند»، با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی توضیح داده‌اند که نظام حقوقی ژاپن به دلیل تفوق مدل پارلمانی بر دولت، با اصطکاک‌های اجرایی بسیار کمتری مواجه است و چون اقتدار تقنینی و نظارتی به‌صورت انحصاری در چارچوب دایت ملی (پارلمان) اعمال می‌گردد با تشتت هنجاری، اجرایی و حتی قضایی کمتری روبرو می‌گردد و نتیجه آن ثبات و کارآمدی نظام حقوقی ژاپن است که می‌تواند در نظام ایران تجویز گردد.

**واژه‌های کلیدی:** استقلال‌قوا، تفکیک‌قوا، قانون اساسی، پارلمان، ایران، ژاپن

ایده تفکیک قوا از جمله نظریات مشهور پردازش شده در حوزه اندیشه سیاسی و حقوقی است. اصل تفکیک قوا به عنوان یکی از پایه‌های اساسی دستورگرایی<sup>۱</sup>، مبنای تقسیم مناسب قدرت بین نهادهای تخصصی حکومت قرار گرفته است. فلاسفه باستان و نظریه پردازان حقوق اساسی<sup>۲</sup> از دیرباز، تمرکز بیش از حد قدرت در یک فرد یا گروهی از فرمانروایان را فسادآور دانسته و طرح‌هایی برای توزیع قدرت بین نهادهای مختلف و جلوگیری از استبداد و خودکامگی ارائه نموده‌اند (قاضی، ۱۳۶۸: ۳۲۶). ایده اولیه ثلاثی فهم نمودن ساختارهای حکومت به دوران یونان باستان و اندیشه‌های صاحب نظران این دوره نظیر ارسطو منتسب می‌گردد. ارسطو در کتاب «سیاست» می‌گوید: «هر حکومت دارای سه قدرت است و قانونگذار خردمند باید حدود هر یک از این سه قدرت را بازشناسد» (ارسطو، ۱۳۴۹: ۱۸۷). اصل مذکور توسط منتسکیو فرانسوی (۱۶۸۹-۱۷۵۵) در قرن هجدهم در کتاب روح القوانین به صورت روشن تبیین شده است.<sup>۳</sup> به طور کلی می‌توان تفکیک قوا را بر دو نوع تفکیک مطلق و نسبی یا تفکیک افقی و عمودی قوا تقسیم نمود. در تفکیک افقی قوا، هر یک از سه قوه در عرض یکدیگر قرار دارند و هیچ قوه‌ای منبعث از قوه‌ی دیگر و مجبور به تبعیت از آن نیست، اما در تفکیک عمودی قوا، قوه‌ی مجریه منبعث از قوه‌ی مقننه می‌باشد که در این مقاله مورد بحث نگارندگان است. تفکیک مطلق و افقی قوا از اندیشه منتسکیو و تفکیک نسبی و عمودی قوا از اندیشه روسو نشأت می‌گیرد (ACQUAVIVA, 2005: 27).

در تبیین ایده تفکیک نسبی قوا، مطابق نظر روسو، حاکمیت مردم در قوه مقننه تجلی پیدا می‌کند و در مرحله بعدی، به وسیله‌ی قوه مقننه به قوه مجریه منتقل می‌شود. به بیان دیگر، قوه مجریه منتخب قوه مقننه است، نه مردم. در نگاه روسو قوه‌ی مجریه صرفاً اختیارات هیأت حاکمه یا همان قوه مقننه را اجرا می‌کند، به همین دلیل ضمن موقتی برشمردن مأموریت حکومت می‌گوید: «اعضای حکومت در دوره مأموریت خود فقط مستخدم هیأت حاکمه بوده و اختیاراتی را که از وی به امانت گرفته‌اند را بکار می‌برند. هیأت حاکمه هر وقت بخواهد می‌تواند اختیارات ایشان را محدود سازد، تغییر دهد و یا پس بگیرد» (روسو، ۱۳۵۸: ۱۰۲ و ۱۰۳)، اما مراد از تفکیک مطلق قوا آن است که حاکمیت و قدرت بین قوای سه‌گانه تقسیم شود به گونه‌ای که هر یک از آن‌ها بر اساس طبیعت و شرح وظایف خود بتواند به طور مجزا و مستقل اقدام نماید (عباسی، ۱۳۸۹: ۳۱۰-۳۱۵). تقسیم تفکیک قوا به افقی و عمودی در حقیقت فرمولی جهت توزیع صلاحیت و اقتدارات است؛ در تفکیک عمودی قوا، توزیع صلاحیت از طریق تخصصی کردن قوا صورت می‌پذیرد، یعنی هیچ قوه از قوای حاکمه جز انجام وظایف و صلاحیت‌های خود کار دیگری انجام نمی‌دهد و چون از لحاظ سلسه مراتب، اجرای قانون یک مرحله پایین تر از وضع قانون است، این امر موجب می‌شود که در عمل قوه مجریه تابع قوه مقننه باشد و کم‌کم این قوه بر قوه مجریه تسلط یابد. روسو و عده‌ای از پیروانش به تفکیک عمودی قوا می‌اندیشند (ندوشن، ۱۳۸۳: ۲۶ و ۴۷). در تفکیک افقی قوا، مبنای عمل از طریق تعادل و توزان قواست. در این سیستم دو قوه مقننه و مجریه، در عرض هم قرار دارند، نه در طول یکدیگر. هر قوه در برابر دو قوه دیگر مجهز به ابزار و وسایلی است که از طریق آن می‌تواند به مقابله با قوه دیگر برخیزد و او را متوقف کند (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۸۰: ۴۹).

با توجه به ایده‌ی تفکیک قوا، رژیم‌های سیاسی گوناگونی در سراسر جهان به وجود آمد که قانون اساسی ایالات متحده آمریکا (۱۷۸۹) براساس تفکیک مطلق قوا، رژیم ریاستی را ترسیم نمود حال آنکه نظام‌های دیگری براساس تفکیک نسبی قوا، نظامی مبتنی بر همکاری و تعامل قوا را ایجاد نمودند. در نظام تفکیک نسبی قوا، حاکمیت ملی در دستگاه منتخب نخستین تجلی می‌یابد

### ! Constitutionalism

ر.ک. قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸، صفحه ۳۲۵: فصل سوم از دفتر سوم که صورت<sup>۲</sup> تفصیلی به تفکیک قوا و نظریه اندیشمندان پرداخته است.

ر.ک. منتسکیو، روح القوانین، ترجمه علی اکبر مهتدی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲، کتاب یازدهم، فصل ششم<sup>۳</sup>.

و به درجات در دستگاهها و اشخاص ظاهر می‌گردد و بدین صورت حاکمیت ملی اعمال می‌شود. در نظام پارلمانی ضمن برقراری تمایز میان وظایف موجود در دولت-کشور و واگذاری وظایف با ماهیت همگون به دستگاه‌های متمایز و تعریف حوزه‌هایی مشترک از عملکرد دستگاهها، به ایجاد وسائل و ابزارهای تاثیر اندام‌های قوا بر یکدیگر همت می‌گمارند (قاضی، ۱۳۶۸: ۳۵۷-۳۵۶). نمونه‌ای از نظام پارلمانی در انگلستان و برخی از کشورهای اروپایی مشاهده می‌گردد.

قانون اساسی ژاپن (۱۹۴۷ م) بر حاکمیت مردم، احترام به حقوق شهروندی، دفاع از صلح و تشریفاتی شدن نقش امپراتور استوار است. نکته حائز اهمیت در ژاپن این است که به موجب قانون اساسی، نظام حقوقی آن کشور سلطنتی مشروطه و ساختار حکومتی حاکم بر ژاپن، نظام پارلمانی است (Richard, 1970: 80). به عبارت دیگر، ژاپن از میان اشکال مختلف تفکیک‌قوا، تفکیک نسبی قوا را برگزیده و نظام سیاسی خود را بر رژیم پارلمانی بنا نهاده و مطابق قانون اساسی، دایت ملی یا پارلمان، بالاترین ارگان حکومتی است.

بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، نظام مردم‌سالار جمهوری اسلامی در ایران مستقر شد که مدلی خاص از تفکیک قوا (اصل ۵۷) تحت عنوان استقلال قوا را در قانون اساسی وارد کرد. مدل مذکور مدلی نیمه‌ریاستی-نیمه‌پارلمانی بوده و به دلایل متعددی دچار اصطکاک‌های بین قوه‌ای شده است. تعدد و شدت این اصطکاک‌ها موجبات طرح ایده تغییر مدل تفکیک قوا توسط رهبری<sup>۴</sup> و ایجاد نهاد هیأت عالی حل اختلاف قوا (۱۳۹۰) را فراهم آورد. در این مقاله نگارندگان با بهره‌گیری از روش کاربردی در مطالعه تطبیقی و بیان «وجه افتراق و شباهت ساختار تفکیک‌قوا در ژاپن و استقلال قوا در ایران» به دنبال تحلیل چگونگی ساختار تفکیک قوا و اختیارات هر کدام در ژاپن و الزامات استقرار نظام پارلمانی در ایران با ملاحظات بومی و ساختاری بوده‌اند. بر این اساس، ضمن بیان پیشینه تفکیک قوا در هر دو کشور، به اختیارات و نسبت قوا در نظام پارلمانی ژاپن با در نظر گرفتن جایگاه رییس کشور و نوع تفوق پارلمان پرداخته شده است. در نهایت، ایده‌های پژوهشی مقاله در خصوص تجویز نظام پارلمانی برای نظام جمهوری اسلامی ایران و الزامات آن بیان می‌گردد.

## ۱. پیشینه تفکیک‌قوا در ایران و ژاپن

ریشه شکل‌گیری ایده تفکیک قوا در ایران و ژاپن، مشروطه‌گرایی قدرت و اختیارات پادشاه بوده است، هرچند در مدل مشروطه‌گرایی تفاوت‌های جدی با هم دارند. تحلیل پیشینه این امر در ایران و ژاپن تا حدی به شناخت وجه افتراق و اشتراک آن کمک می‌کند.

۱.۱. در عصر قاجار پس از تعاملاتی که بعد از نهضت رنسانس بین ایران و تمدن غرب ایجاد شد، نخستین نشانه‌های تمدن جدید که نظر ایرانیان را جلب کرد، نهادهای مدنی مدرن، نظام‌های سیاسی نوینی همچون «سلطنت‌مشروع» و مفاهیم جدیدی چون قانون، آزادی، انتخابات و مجلس بود. آن‌ها درصدد مقایسه این نظام‌ها با نظام سیاسی موجود در ایران برآمدند. (شعبانی، ۱۳۹۰: ۱۸) بنابراین می‌توان گفت، سابقه طرح بحث تفکیک‌قوا در ایران به جنبش ناتمام مشروطه و عصر قاجار باز می‌گردد. در این دوره باتوجه به ورود عناصر

۴. «امروز نظام ما نظام ریاستی است؛ یعنی مردم با رأی مستقیم خودشان رئیس جمهور را انتخاب می‌کنند؛ تا الان هم شیوهی بسیار خوب و

تجربه‌شده‌ای است. اگر یک روزی در آینده‌های دور یا نزدیک احساس بشود که به جای نظام ریاستی مثلا نظام پارلمانی مطلوب است - مثل اینکه در بعضی از کشورهای دنیا معمول است - هیچ اشکالی ندارد؛ نظام جمهوری اسلامی می‌تواند این خط هندسی را به این خط دیگر هندسی تبدیل کند؛ تفاوتی نمی‌کند. (بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴)».

و مفاهیم جدید و غیربومی به داخل کشور، اندیشمندان و روشنفکران ایرانی سعی در برجسته کردن این مفاهیم و استفاده از آن‌ها برای ایجاد تغییرات در جامعه و نظام سیاسی نمودند (لک‌زایی، ۱۳۸۳: ۷).

در عصر مشروطه با توجه به اعتقاد شکل‌گرفته مبتنی بر عدالت‌اجتماعی، توسعه محتوایی، ابقای استقلال ایران و هویت ملی در مقابله با سیطره همه‌جانبه اروپا، تأسیس نظام مشروطه ضروری می‌نمود. پایه‌گذاری چنین نظامی به معنی محدود کردن قدرت پادشاه و نهایتاً «حاکمیت قانون» به عنوان نمادی از نظم سیاسی جدید بوده است. ماهیت نهضت مشروطه ضد استبدادی بود و تلاش‌ها در جهت نفی نظام سنتی صورت می‌پذیرفت که استبداد قاجاری بخشی از آن را به خدمت خود درآورده بود. توجه مشروطه‌خواهان به وضعیت استبدادی و به هم‌ریختگی نظام سنتی بود (جعفریان، ۱۳۶۹: ۴۹). پس از اعتراضات مردمی به قانون اساسی مشروطه (۱۲۸۵ ه.ش)، مطابق متمم قانون اساسی مشروطه ایران (۱۲۸۶)، حدود اختیارات پادشاه تا حدودی محدود شد (اصل ۳۹ و ۴۳ متمم) ولی وی همچنان غیر مسئول و غیر پاسخگو بود (اصل ۴۴ متمم). در این قانون مصوبات مجلس باید به تأیید سلطان می‌رسید (اصل ۴۵ متمم)، سلطان هم نمی‌توانست اجرای قانون را به تعویق انداخته یا توقیف نماید (اصل ۴۹ متمم). همچنین در اصلاحیه اصل چهل و هشتم این قانون (۱۳۲۸) شاهنشاه می‌توانست هر یک از مجلس شورای ملی و مجلس سنا را جداگانه و یا هر دو مجلس را همزمان منحل نماید. در این قانون، مجلس شورای ملی نه تنها مجاز به تنظیم لوایح در ایجاد قانون جدید یا تغییر، تکمیل و نسخ قوانین موجود بود، بلکه می‌توانست به صورت مستقیم نیز عریضه به خدمت پادشاه تقدیم کند (رحیمی، ۱۳۴۷: ۲۱۲ و ۲۳۰).

متمم قانون اساسی مشروطه ایران، ضمن برشمردن وظایف هر یک از قوای سه‌گانه، در اصل (۲۸) متذکر شده بود که «قوای ثلاثه مزبور همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود»، لیکن با توجه به اصول (۴۴)؛ (۶۰)؛ (۶۷) می‌توان گفت؛ عملاً قوای سه‌گانه به‌طور کامل از یکدیگر جدا نبوده‌اند، بلکه شاه فراتر از قانون اساسی، حاکمیت مطلق را در دست داشت (شعبانی، ۱۳۹۵: ۷۱).

۱.۲. در سال ۱۸۶۷ با استعفای شوگون، امپراتوری میجی (۱۸۶۸-۱۹۱۲) معروف به امپراتوری بزرگ میجی صاحب قدرت شد. دولت جدید ذیل امپراتور میجی، سیاست‌گذاری‌های غرب‌گرایانه از جمله، بنیاد نهادن سیستم کابینه‌ای، تدوین قانون اساسی، اصلاح سیستم حکومت محلی و سامانه آموزشی نوین را ترویج داد. توکیو را پایتخت قرار داد. در این دوره ساختار اداری، حکومتی و نظامی تغییراتی یافت. در آغاز قرن ۲۰، ژاپن به سرعت صنعتی و در آستانه تبدیل به قدرتی جهانی قرار گرفت (عادلی، ۱۳۶۷: ۱۹-۲۴). در واقع پس از اصلاحات میجی (۱۸۶۷-۱۸۶۸)، امپراتور جوان و یک گروه از الیگارش‌های نظامی به این نتیجه رسیدند که تنها راه حفظ استقلال ژاپن، اصلاح قانون اساسی نامتوازن و نامتعادل و اجتناب از نوسازی استعمار ژاپنی دولت-ملت است. در نتیجه مجموعه‌ای از اصلاحات توسط امپراتور در آوریل ۱۸۶۸ در منشور معروف «سوگند» در پنج مقاله (Charter Oath in Five Articles)، صورت گرفت و مقدمه‌ای برای تشکیل "مجامع مشورتی" فراهم گشت (Tamás, 2011: 146). جنگ جهانی دوم با شکست فاجعه‌آمیز ژاپن همراه بود. دولت ژاپن به دستور امپراتور هیروهیتو در سال ۱۹۴۵ بدون قید و شرط تسلیم متفقین شد. جنگ حدود ۲ میلیون نفر از ژاپن قربانی گرفت و حدود ۴۸ درصد شهرهای آن ویران شد. تا قبل از جنگ‌های جهانی در ژاپن، ایده‌های رایج در اروپا از جمله،

۱. اصل (۴۴) متمم قانون اساسی مشروطه ۱۲۸۶/۷/۱۵: شخص پادشاه از مسؤولیت مبری است. وزرای دولت در هرگونه امور مسؤول مجلسین هستند.

حاضر . اصل (۶۰) متمم قانون اساسی مشروطه ۱۲۸۶/۷/۱۵: وزراء مسؤول مجلسین هستند و در هر مورد که از طرف یکی از مجلسین احضار شوند باید گردند و نسبت به اموری که محول به آنهاست حدود مسؤولیت خود را منظور دارند.

۲. اصل (۶۷) متمم قانون اساسی مشروطه ۱۲۸۶/۷/۱۵: در صورتی که مجلس شورای ملی یا مجلس سنا به اکثریت تامه عدم رضایت خود را از هیأت وزراء یا وزیری اظهار نمایند آن هیأت یا آن وزیر از مقام وزارت منعزل می‌شود.

تفکیک قوا یا حاکمیت مشترک پادشاه و مردم کاربردی نداشت و تنها نهاد سنگ‌بنای ژاپن، امپراتوری و احترام به حقوق حاکمیتی امپراتور بود (Joseph Pittau, 1967: 177-178).

بلافاصله بعد از جنگ جهانی دوم، ژاپنی‌ها در قانون اساسی خود، به صلح، دوستی و مجاهدت در راه حفظ و استقرار صلح پایدار و جهانی تأکید کردند و ارتش را به‌طور کلی منحل کردند (Edward M. Martin, 1948: 122-150). در سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۲ به دنبال اشغال کشور ژاپن توسط متفقین، نظام سیاسی کشور تبدیل به نظامی دموکراتیک گردید. ژاپن در سال ۱۹۵۶ به سازمان ملل متحد پیوست. در سال ۱۹۸۹ پس از مرگ امپراتور هیروهیتو، پسر او یعنی آکی‌هیتو جانشین او شد (مرتون، ۱۳۶۴: ۲۴۸-۲۵۱). قانون اساسی میجی یا قانون امپراتوری مصوب سال ۱۸۸۹ میلادی، اختیارات گسترده‌ای را به پادشاه داده بود. قدرت اجرایی برعهده هیأت وزیران بود که رئیس آن را شورای سلطنتی انتخاب می‌کرد. قانون اساسی میجی بارها اصلاح شد تا این‌که با تصویب اساسنامه صلح‌جویی در نوامبر ۱۹۴۶ و اجرای آن از سال ۱۹۴۷ به‌طور کلی تغییر یافت و یک حکومت لیبرال دموکرات با محوریت پارلمان جایگزین حکومت سلطنتی شد (ویلیام، ۱۳۹۳: ۲۸۳-۲۸۶). شایان ذکر است قانون اساسی قبلی هنوز معتبر است و قانون جدید براساس ماده (۷۳) قانون امپراتوری، یک سند بازنگری در قانون اساسی میجی شمرده می‌شود. نکته حائز اهمیت این است که در قانون اساسی ۱۹۴۷ بر جایگاه امپراتور تأکید و وی به‌عنوان مظهر کشور و وحدت ملی معرفی شد و در ادامه افزود، امپراتور موقعیت خود را از اراده مردم برمی‌گیرد و قدرت عالی‌وی ناشی از آن‌هاست. بدین ترتیب سلطنت در ژاپن چهره متفاوتی به خود گرفت و تحت عنوان، سلطنت‌مشروطه بازسازی گردید (Robbers, 1983: 9-12).

با مشروطیت قدرت در ژاپن، مدلی از تفکیک قوای پارلمانی به‌وجود آمد که با مدل تفکیک قوای مشروطه در ایران شباهت‌های قابل توجهی دارد. در این مدل از تفکیک قوا، قدرت مطلق امپراتور با مردم و نهاد تقنینی برآمده از مردم تقسیم می‌گردد. البته این اصلاحات برعکس آنچه در دوران مشروطه ایران رخ داد، خودخواسته امپراتور بود و به همین دلیل پس از ناکامی قانون اساسی مشروطه در ایران، انقلاب و قوای ناشی از مردم مطابق اصل ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای تمشیت امور ایجاد گردید.

## ۲. ساختار تفکیک‌قوا در ایران و ژاپن

قانون اساسی ژاپن (مصوب ۱۹۴۶م) اگرچه از نظر تکنیکی و ظاهر مطابق ماده (۷۳)، اصلاحیه قانون اساسی ۱۸۸۹ تلقی می‌گردد، ولی در واقع با قانون اساسی میجی متفاوت است که بر پایه سه اصل اساسی حاکمیت مردم و نقش تشریفاتی امپراتور (ماده ۱)، مسالمت‌جویی و نفی جنگ و نظامی‌گری (ماده ۹) و احترام به حقوق شهروندی قرار داشت (Tamás, 2011: 156-157). در حال حاضر قانون اساسی ۱۹۴۷ زیربنا و محور قانونی ساختار ژاپن است. به‌موجب این قانون ساختار دولت حاکم بر ژاپن، نظام پارلمانی و پارلمان یا دایت ملی، عالی‌ترین ارگان حکومتی است، اما نوع حکومت در این کشور، هم‌چنان سلطنتی‌مشروطه تلقی می‌گردد. قوای سه‌گانه در عین انفکاک، بر یکدیگر کنترل و نظارت دارند؛ یعنی قوه مقننه که متشکل از دو مجلس می‌باشد، نخست‌وزیر را با نصب امپراتور تعیین می‌کند و نخست‌وزیر کابینه را تشکیل می‌دهد. قوه مجریه یا کابینه در اجرای وظایف خود، در مقابل پارلمان مسؤلیت دارد و در صورت رأی عدم اعتماد پارلمان بایستی مستعفی گردد. در عین حال کابینه می‌تواند حکم به انحلال مجلس نمایندگان دهد. دیوان عالی کشور نیز به‌عنوان عالی‌ترین مرجع قضایی طبق ماده (۸۱) قانون اساسی ژاپن در خصوص مطابقت اقدامات و مصوبات قوای مجریه و مقننه با قانون اساسی اظهار نظر می‌کند.

در ساختار تفکیک‌قوا در ایران مطابق اصل (۵۷) قانون اساسی، نظام تفکیک و استقلال قوای سه‌گانه را به‌طور نسبی و با شیوه‌ای خاص پذیرفته است. بدین ترتیب هر یک از قوا متصدی امری از امور زمامداری کشور، تحت نظر رییس کشور مطابق اصل (۵۷) می‌گردند و حاکمیت را از طریق سازمان‌های ذی‌ربط به ترتیب ذیل اعمال می‌نمایند:

- اعمال قوه مقننه به تصریح اصل (۵۸) از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحل قانونی برای اجرا به قوه مجریه و قضاییه ابلاغ می‌گردد.
- اعمال قوه مجریه به تصریح اصل (۶۰) به جز در اموری که مستقیماً برعهده رهبری به عنوان رییس کشور گذارده شده، از طریق رئیس‌جمهور و وزراست.
- اعمال قوه قضاییه نیز به تصریح اصل (۶۱) به وسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شوند و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازند (فلاح‌زاده، ۱۳۹۱: ۹۶).

علی‌رغم تصریح قانون اساسی به استقلال قوا، با مراجعه به سایر اصول واضح است که منظور، تفکیک مطلق قوا از یکدیگر نیست، زیرا قانون اساسی شرایطی را که از انفصال قوا حاصل می‌شود، نپذیرفته است. به‌عنوان مثال در انفصال مطلق قوا، قوه مجریه در انتصابات آزادی کامل دارد و قوای مقننه و قضائیه در هیچ‌یک از انتصابات قوه مجریه نمی‌توانند دخالت کنند، در حالی که قانون اساسی، چنین اطلاقی را در انتصابات نپذیرفته و در بعضی از انتصابات نظر مجلس شرط اصلی محسوب می‌گردد (مدنی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۱۸۷).

در این بخش با تبیین ساختار و اختیارات قوا در ژاپن، نسبت این اختیارات را در همکاری و نظارت قوا بر یکدیگر جهت نیل به هدف مطالعه تطبیقی کاربردی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۲.۱. ساختار و اختیارات قوه مجریه

وجه تشابه قوه مجریه ایران و ژاپن در دو رکنی بودن است. در ژاپن قوه مجریه از امپراتور و نخست‌وزیر تشکیل می‌شود. وظایف و اختیارات بین دو رکن مذکور تقسیم گردیده است؛ منتها آن چه در عمل جلوه می‌نماید، برتری کابینه است؛ علی‌رغم اینکه ریاست کشور براساس ماده (۱) قانون اساسی برعهده امپراتور است. قانون اساسی ژاپن با عبارت «ما مردم ژاپن» شروع شده و ضمن اشعار به حاکمیت ملت، بیان داشته است: «حاکمیت مردم توسط نمایندگان آنان و در جهت منافعشان اعمال می‌گردد». در ماده (۱) قانون اساسی ژاپن امپراتور به‌عنوان مظهر مملکت و وحدت ملی معرفی شده و موقعیت خود را طبق خواست مردم کسب نموده است. امپراتوری ژاپن به‌صورت موروثی است و ساز و کار جانشینی وی طبق قانون دربار مصوب مجلسین می‌باشد. شایان ذکر است اقدامات و احکام امپراتور در امور دولتی، باید با مشورت و تصویب کابینه باشد. همچنین مسؤلیت این احکام برعهده کابینه است (Japan Pocket Guide, 2002: p. 20). به‌موجب ماده (۶۷)، امپراتور تنها در امور دولتی‌ای که در قانون اساسی تصریح شده است، می‌تواند اقدام کند. از این جهت و همچنین طبق ماده (۴) که او در سایر موارد حکومت حق دخالت ندارد، اختیارات امپراتور حصری است. با این‌وجود نباید تصور کرد وی صرفاً نمادی با اختیارات تشریفاتی است بلکه طبق نص ماده (۱) دارای اختیارات قابل توجهی می‌باشد (Tamás, 2011: 158-159).

وظایف و اختیارات امپراتور به‌موجب قانون اساسی ژاپن عبارتست از:

۱. انتصاب نخست‌وزیر منتخب پارلمان
۲. انتصاب رئیس دیوان عالی کشور منتخب هیأت وزیران
۳. در امور دولتی از طرف مردم و با مشورت و تصویب هیأت وزیران وظیفه دارد:
- ۳.۱. توشیح و صدور فرمان اجرای اصلاحات قانون اساسی، قوانین و تصویب‌نامه‌های هیأت وزیران و معاهدات
- ۳.۲. افتتاح پارلمان



۳،۳ انحلال مجلس نمایندگان

۳،۴ اعلام انتخابات عمومی برای تعیین اعضای مجلسین

۳،۵ تأیید نصب و عزل وزیران و سایر مقامات دولتی و تفویض اختیار به سفرا و وزراء

۳،۶ تأیید عفو عمومی و خصوصی، تخفیف در مجازات‌ها، تعلیق و تعویق مجازات‌ها و اعاده حقوق

۳،۷ پذیرش سفیران خارجی

۳،۸ اعطای نشان‌های ویژه

۳،۹ تأیید اسناد مصوب و سایر مدارک سیاسی

۳،۱۰ انجام تشریفات

لازم به ذکر است که مطابق ماده (۸) قانون اساسی، خاندان امپراتوری اجازه دریافت و اعطای هیچ‌گونه مال و هدیه‌ای بدون اجازه مجلسین ندارد (رئیس‌نیا، ۱۳۷۲: ۸-۱۱).

قوه مجریه طبق قانون اساسی ژاپن (ماده ۶۵) مخصوص و منوط به کابینه است. کابینه مرکب از نخست‌وزیر و سایر وزیران می‌باشد (ماده ۶۶). طبق ماده مذکور، نخست‌وزیر و سایر اعضای کابینه همگی باید غیرنظامی باشند. (رئیس‌نیا، ۱۳۷۲: ۱۹) قدرت اجرایی به کابینه تفویض شده است؛ نخست‌وزیر و ۱۷ وزیر، مجموعاً در برابر دایت مسؤؤل هستند (Japan Pocket Guide, 2002: p. 20). نخست‌وزیر باید از نمایندگان پارلمان باشد و توسط نمایندگان پارلمان برگزیده شود. رأی‌گیری برای تعیین نخست‌وزیر ابتدا در مجلس نمایندگان و سپس در مجلس مشاوران صورت می‌پذیرد. چنانچه مجلسین افراد متفاوتی را برگزینند، فرد منتخب مجلس نمایندگان به نخست‌وزیری منصوب خواهد گردید. در این خصوص دو نکته شایان ذکر است: اولاً، به طوری که سوابق امر حاکی است هر دو مجلس با دو استثنا همواره به شخص واحدی رأی داده‌اند. ثانیاً، با وجود اینکه قانون اساسی فقط به عضویت کاندیدای پست نخست‌وزیری در پارلمان اشاره کرده، از آغاز تاکنون نخست‌وزیر از بین اعضای مجلس نمایندگان برگزیده شده است. فرد منتخب پس از تعیین شدن به نخست‌وزیری مبادرت به انتصاب وزیران می‌کند و در این راستا به موجب ماده (۶۸) که مقرر می‌دارد: «اکثریت وزیران بایستی از نمایندگان پارلمان باشند»، تنها با این محدودیت مواجه است و گرنه در نصب و عزل آنان آزادی کامل دارد. به علاوه کابینه پس از تشکیل یا برای شروع کار، نیاز به اخذ رأی اعتماد ندارد. درباره انتخاب وزیران در همه موارد از نمایندگان پارلمان انتخاب شده و برگزیدن فردی غیر از پارلمان جنبه نادر و کاملاً استثنایی داشته است. اکثریت قریب به اتفاق وزرا شش یا هفت دوره سابقه نمایندگی دارند. حداکثر تا سه نماینده مجلس مشاوران با دو یا سه دوره سابقه وکالت نیز به عضویت کابینه درمی‌آیند. نخست‌وزیر علاوه بر اختیار عزل و نصب وزیران، به موجب ماده (۷۵) قانون اساسی ژاپن حق دارد مصونیت قضایی هر یک از وزرا را لغو نماید. هم‌چنین مطابق ماده (۷۴) تمامی مصوبات و تصمیمات کابینه علاوه بر امضای وزیر مسؤؤل، امضای نخست‌وزیر را نیز لازم دارد و به استناد ماده (۷۲) نخست‌وزیر به‌عنوان نماینده قوه مجریه و کابینه، لوایح را به پارلمان ارائه می‌کند. هم‌چنین در خصوص اوضاع داخلی و روابط خارجی گزارش می‌دهد و بر دستگاه‌های اجرایی مملکتی نظارت و کنترل دارد. در جلسات هیأت وزیران، نخست‌وزیر، ریاست را عهده‌دار است و چنانچه از لحاظ تداخل مسؤولیت‌ها اختلاف‌نظری بین وزیران بروز نماید، نظر نهایی را نخست‌وزیر خواهد داد. سایر اختیارات مهم نخست‌وزیر فرماندهی کل نیروهای مسلح که به‌عنوان نماینده کابینه اعمال می‌کند و هم‌چنین اخذ تصمیم در سوانح طبیعی عمده یا وقوع ناآرامی‌های اجتماعی و اعلام وضع فوق‌العاده در کشور می‌باشند (رئیس‌نیا، ۱۳۷۲: ۱۹-۲۱).

همان‌طور که ملاحظه گردید قانون اساسی، عمده امور اجرایی را منوط و مخصوص کابینه یا هیأت وزیران قرار داده است و در روند تشکیل هیأت وزیران و انتخاب اعضای کابینه، نخست‌وزیر فقط باید اکثریت اعضا را از بین نمایندگان پارلمان برگزیند و محدودیت دیگری ندارد. در سایر شوون و عزل و نصب وزیران، آزادی مطلق دارد. با ملاحظه نظام حقوقی قوه مجریه ژاپن مشخص می‌شود که قوه مجریه متشکل از اعضای است که قانوناً موجودیت و بقای خود در سمت را، مرهون نخست‌وزیر هستند. در همین راستا به موجب ماده (۶۶) قانون اساسی ژاپن، کابینه در اجرای وظایف و اعمال اختیارات خود به‌طور دسته‌جمعی در قبال

پارلمان مسؤولیت دارد. اختیار کابینه طبق ماده (۷۳) عبارت از اجرای قوانین، اداره امور کشور، اجرا و اعمال سیاست خارجی، انعقاد عهد، تهیه بودجه سالیانه و اعاده حقوق مدنی می‌باشد. (رئیس‌نیا، ۱۳۷۲: ۲۲) سایر اختیارات کابینه شامل تصویب و تأیید وظایف رسمی امپراتور (بهموجب مواد ۳ و ۷)، انتخاب رئیس دیوان عالی کشور (ماده ۶)، انتخاب قضات دیوان عالی و سایر دادگاه‌ها (مواد ۷۹ و ۸۰)، تشکیل اجلاس فوق‌العاده پارلمان (ماده ۵۴) و گزارش به پارلمان و ملت در مورد وضعیت مالی کشور (ماده ۹۱) می‌باشد (معین‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۲۱). شایان ذکر است یکی از وظایف امپراتور که حسب نظر، توصیه و تصویب کابینه اعمال می‌شود، انحلال مجلس نمایندگان می‌باشد که اقدامی مطلق و غیرمشروط است (بند ۳ ماده ۷)؛ یعنی برخلاف اختیار کابینه در مورد انحلال مجلس مزبور، که مشروط به این است که ابتدا رأی عدم اعتماد صادر گردد و در آن صورت کابینه مختار است که یا به‌طور دسته‌جمعی استعفا کند و یا مجلس نمایندگان را منحل سازد. با توجه به آن‌چه تاکنون مطرح گردید و با عنایت به مواد قانون اساسی ژاپن می‌توان به‌طور مختصر نتیجه‌گیری کرد که ساختار قانونی حکومت ژاپن، سیستم دموکراتیک و پارلمان متشکل از دو مجلس، عالی‌ترین ارگان و قوه مملکتی است و اختیارات وسیعی دارد. در این نظام، قوه مجریه از بین اعضای قوه مقننه تشکیل می‌گردد و به اداره امور کشور می‌پردازد و به‌طور دسته‌جمعی در قبال پارلمان مسؤولیت دارد. قوه مقننه و قوه مجریه در عین وابستگی در اجرای وظایف خود، از یکدیگر منفک بوده و در عین حال بر نحوه اقدام و عملکرد قوه دیگر نظارت می‌کند. نهایتاً آن‌که اگرچه کفه اختیارات قوه مجریه بر قوه مقننه غلبه دارد، اما به‌طور نسبی سیستم کنترل و نظارت متقابل در جریان است (رئیس‌نیا، ۱۳۷۲: ۲۱-۲۴).

در نظام حقوقی ایران مطابق اصل (۵۶) قانون اساسی، «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است». بنابراین در نظام حقوقی ایران از یکسو بر حاکمیت الهی تأکید شده است که باعث می‌گردد، در اصل (۴) قانون اساسی به‌طور مطلق همه قوانین را نیازمند تطبیق با موازین اسلامی بداند و بدین‌منظور سازوکار شورای نگهبان موضوع اصل (۹۴) پیش‌بینی شود و از سوی دیگر حاکمیت مردم به رسمیت شناخته شده است (اصول ۶، ۷).

وضعیت قوه مجریه در ایران مثل ژاپن دو رکنی است؛ بدین‌صورت که اعمال قوه مجریه جز در اموری که مستقیماً برعهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس‌جمهور و وزراء است. در اختیارات رئیس‌جمهور و رهبری تفاوت‌های جدی با اختیارات در ژاپن وجود دارد؛ از جمله این‌که در ژاپن فرماندهی قوای مسلح برعهده نخست‌وزیر به‌عنوان رییس کابینه می‌باشد، در حالی‌که در ایران این امر طبق بند (۴) اصل (۱۱۰) قانون اساسی برعهده رهبری است.

رئیس‌جمهور در ایران به‌منظور شروع فعالیت دولت باید علاوه بر أخذ تنفیذ رهبری (بند ۹ اصل ۱۱۰)، رأی اعتماد مجلس شورای اسلامی به وزرا و هیأت وزیران را کسب کند (اصل ۸۷) و بعد از آن، در مقابل مجلس شورای اسلامی مسؤول است. مجلس شورای اسلامی می‌تواند اقدام به استیضاح وزراء یا از رئیس‌جمهور سؤال نماید (اصل ۸۸).

از اشکالاتی که می‌توان در نظام حقوق اساسی ایران یافت، ابهام در اختیارات و صلاحیت‌هاست؛ درحالی‌که در کشورهایی که رهبری ریاست کشور را برعهده دارد، نخست‌وزیر ریاست کابینه و مسؤول اجرایی کشور است درحالی‌که در ایران با وجود رهبری، همچنان ریاست‌جمهوری پیش‌بینی شده است. ابهام دیگر در بحث قوای مسلح می‌باشد؛ از یکسو فرماندهی کل نیروهای مسلح از اختیارات رهبری است (بند ۴ اصل ۱۱۰) و از سوی دیگر وزارت دفاع در ذیل هیأت وزیران و کابینه‌ای است که زیر نظر ریاست‌جمهوری اقدام می‌کند.



**۲.۲. ساختار و اختیارات پارلمان (دایت)**

در ایران و ژاپن، پارلمان دارای اختیار قانونگذاری است. در ایران مجلس شورای اسلامی مطابق اصل (۷۱) در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی و در ژاپن دایت ملی به موجب ماده (۴۱) قانون اساسی عالی‌ترین رکن حکومتی و تنها مرجع قانونگذاری ژاپن که متشکل از دو مجلس نمایندگان<sup>۱</sup> و مشاوران<sup>۲</sup> ملی باشد. با این وجود تفاوت از همین جا به دلیل تفوق پارلمان بر قوه مجریه شروع می‌شود، زیرا دایت یک مرجع انحصاری قانون‌گذاری و تشکیل دهنده دولت است. این در حالی است که در ایران مجلس شورای اسلامی مرجع انحصاری تلقی نگردیده و حداقل نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام در این امر مداخله می‌کند؛ به علاوه نهادهای دیگری نظیر شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس خبرگان (اصل ۱۰۸) عملاً بخشی از صلاحیت‌های پارلمان را به خود اختصاص داده‌اند.

پارلمان در ژاپن از دو مجلس نمایندگان و مشاوران تشکیل شده است که به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**۲.۲.۱. مجلس نمایندگان**

این مجلس دارای ۴۸۰ کرسی است. نمایندگان، منتخب مستقیم مردم برای ۴ سال هستند. این مجلس مطابق مواد (۷) و (۴۵) قانون اساسی ژاپن، قابلیت انحلال توسط کابینه را دارد. این مجلس از زمان اجرای قانون اساسی فعلی، فقط یک دوره ۴ ساله را به صورت کامل (۱۹۷۲-۱۹۷۶) سپری نموده و در موارد دیگر توسط کابینه منحل شده است. مجلس نمایندگان دارای ۱۸ کمیته است که امور اداری و جاری را زیر نظر دارند (Baerwald, 2010: 15-18).

در انتخابات این مجلس، ۱۳۰ حوزه انتخابیه وجود دارد که در هر حوزه بین ۳ تا ۵ کرسی انتخاباتی وجود دارد. رأی دهندگان به تعداد کرسی‌های حوزه انتخابیه رأی نمی‌دهند، بلکه تنها یک رأی دارند. این اقدام سبب حفظ جنبه دموکراتیک انتخابات و ایجاد شرایطی که همه احزاب و گروه‌ها بتوانند صرف‌نظر از امکانات و وسعت سازمانی، موقعیت مساوی داشته باشند، خواهد شد. شایان ذکر است، از تعداد ۴۸۰ کرسی، تعداد ۳۰۰ نفر طبق نظام حوزه‌های انتخابیه کوچک که از هر حوزه فقط یک نفر برگزیده می‌شود، به مجلس راه می‌یابند و ۱۸۰ نفر دیگر طبق نظام نمایندگی سهمیه‌ای که تعداد کرسی‌ها بر طبق سهمیه رأی به دست آمده از سوی حزب به نمایندگان برتر آن تعلق می‌گیرد، انتخاب می‌شوند. (Japan Pocket Guide, 2002: 157)

**۲.۲.۲. مجلس مشاوران**

این مجلس دارای ۲۴۲ کرسی و نماد نوعی خردورزی ملی است. دوره نمایندگی در این مجلس، ۶ سال است که هر ۳ سال، نیمی از اعضای آن تجدید می‌شود. این مجلس قابل انحلال نیست. ۹۶ نفر از نمایندگان این مجلس، به‌عنوان نماینده حوزه ملی هستند و ۱۴۶ نفر دیگر از ۴۷ حوزه انتخابی، راهی مجلس می‌شوند. تعداد کرسی‌های هر حوزه انتخابی به تناسب وسعت جغرافیایی بین ۲ تا ۸ نفر است. هر نفر در روز رأی‌گیری، ۲ رأی، یکی برای انتخاب کاندیدای حوزه انتخابیه محلی و دیگری برای انتخاب کاندیدای حوزه ملی، می‌دهد. در انتخاب کاندیدای حوزه ملی، نام حزب درج می‌شود و در سراسر کشور به تناسب تعداد آرای که احزاب مختلف کسب کرده‌اند، از کاندیداهایی که احزاب قبلاً معرفی کرده‌اند، انتخاب می‌شوند. در انتخابات نیمه‌دوره‌ای، نصف اعضا محلی و نصف دیگر به صورت ملی انتخاب خواهند شد. (Baerwald, 2010: ۳۰ - ۳۵)

نکته حائز اهمیت در پارلمان ژاپن، برتری مجلس نمایندگان بر مجلس مشاوران است. قانون اساسی این کشور به‌طور مشخص در چهار زمینه، نظر مجلس نمایندگان را بر مجلس مشاوران تفوق بخشیده است که عبارتند از:

\*National Diet

‡House of Representative

! : House of Councillors

۱. تصویب قانون: لوایح و طرح‌ها برای قانونی شدن نیاز به تصویب هر دو مجلس دارد، ولی در این راستا چنانچه پس از تصویب مجلس نمایندگان، مجلس مشاوران نظر متفاوتی ابراز دارد در صورتی که مجلس نمایندگان نظر قبلی خود را با اکثریت دوسوم آراء مورد تأیید مجدد قرار دهد مصوبه جنبه قانونی پیدا خواهد کرد. چنانچه مجلس مشاوران ظرف مدت ۶۰ روز مصوبه مجلس نمایندگان را به‌طور کلی مورد اقدام قرار ندهد، نیز مصوبه جنبه قانونی خواهد یافت. البته مجلس نمایندگان به‌موجب ماده (۵۹) می‌تواند برای رسیدن به‌نظر مشترک به تشکیل کمیته مشترک یا مجلس مشاوران مبادرت نماید.
  ۲. بودجه کشور: طبق ماده (۶۰) قانون اساسی ژاپن بودجه مملکتی ابتدا به مجلس نمایندگان تسلیم می‌گردد. اگر پس از تصویب و اصلاحات احتمالی مجلس مزبور مجلس مشاوران نظر دیگری ابراز دارد و کمیته مشترک نیز به نتیجه نرسد و یا مجلس مشاوران ظرف سی روز اقدام نکند، مصوبه مجلس نمایندگان جنبه قانونی می‌یابد.
  ۳. کنوانسیون‌ها و عهود: در مورد کنوانسیون‌ها و عهود طبق ماده (۶۱)، نظر مجلس نمایندگان بر مجلس مشاوران ترجیح دارد. انعقاد عهود وظیفه دولت است، ولی بسته به موقعیت قبل یا بعد از انعقاد عهدنامه، تصویب پارلمان ضروری است. برخلاف بودجه، عهود قابل اصلاح نیست، یا تصویب و یا رد می‌شوند.
  ۴. به‌موجب ماده (۶۷) برای انتخاب نخست‌وزیر که از وظایف پارلمان است و بر هر اقدام دیگر پارلمانی ترجیح دارد، چنانچه مجلسین نظر متفاوتی ابراز کنند یا مجلس مشاوران به تصمیم مجلس نمایندگان ظرف ده روز پاسخ ندهد، فرد منتخب به نخست‌وزیری تعیین خواهد گردید. علاوه بر موارد فوق به‌موجب ماده (۶۹) مجلس نمایندگان می‌تواند با صدور قطعنامه که برای رأی‌گیری درباره آن امضای ۵۰ تن از نمایندگان ضروری است، به دولت رأی عدم اعتماد بدهد. در این صورت، کابینه یا بایستی به‌طور دسته‌جمعی استعفا دهد و یا ظرف ده روز مجلس نمایندگان را منحل کند. در صورت انحلال مجلس نمایندگان، بایستی انتخابات این مجلس ظرف ۴۰ روز برگزار شود و ظرف سی‌روز دیگر، یعنی جمعا ۷۰ روز پارلمان تشکیل جلسه دهد. به‌موجب ماده (۵۴) در خلال دوره انحلال مجلس نمایندگان، مجلس مشاوران نیز جلسه نخواهد داشت، ولی در صورت بروز شرایط فوق‌العاده دولت می‌تواند آن مجلس را به اجلاس دعوت نماید و مجلس مزبور در آن شرایط حق انشاء و وضع قانون را نیز دارا می‌باشد؛ ولی مصوبات مزبور بایستی در دوره بعد مجلس نمایندگان ظرف ده روز مورد تأیید قرار گیرد، در غیر این صورت، فاقد اعتبار قانونی خواهد شد. (رئیس‌نیا، ۱۳۷۲: ۱۷-۱۸؛ معین‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۲۹)
- قوه مقننه در نظام حقوقی ایران براساس اصل (۷۱) صلاحیت و اختیاری در تقنین دارد. انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی مستقیماً توسط مردم و با رأی مخفی صورت می‌گیرد (اصل ۶۲). از نکاتی که وجه افتراق پارلمان در ایران و ژاپن تلقی می‌گردد، فقدان احزاب است. درحالی‌که در ژاپن مردم هم به نحو مستقیم نمایندگان را انتخاب می‌کنند و هم یکسری را از طریق احزاب انتخاب می‌کنند، چنین سازوکاری در ایران پیش‌بینی نشده و قوه مقننه در ایران تک مجلسی است و توسط مردم انتخاب می‌شود. انحلال پارلمان برعکس ژاپن در ایران توسط کابینه پیش‌بینی نشده است. ارتباط بین قوه مقننه و قوه مجریه در ایران نسبت به ژاپن بسیار بیشتر است و هیأت وزیران در مقابل مجلس شورای اسلامی مسؤول است و می‌تواند از مکانیزم سؤال و استیضاح استفاده نماید.

## ۲.۳. ساختار و اختیارات قوه قضائیه

همانند تصریح اصل (۱۵۶) قانون اساسی ایران، قوه قضائیه در ژاپن مستقل از قدرت سیاسی است. این قوه با رکن دیوان عالی کشور تبلور یافته است. براساس ماده (۶) قانون اساسی ژاپن، رئیس دیوان عالی کشور منصوب امپراتور بعد از انتخاب کابینه است. ماده (۷۶) قانون اساسی ژاپن، کلیه اختیارات قوه قضائیه را به دیوان عالی کشور و سایر دادگاهها که به موجب قانون تشکیل شده‌اند، واگذار می‌کند. به موجب این ماده، هیچ‌گونه دادگاه فوق‌العاده‌ای تأسیس نخواهد شد و هیچ‌یک از مؤسسات وابسته به قوه مجریه دارای اختیار قطعی قضایی نخواهد بود. (واردی، ۱۳۷۴: ۱۷۹) کلیه قضات در صدور رأی خود، مستقل و فقط تابع قانون اساسی و سایر قوانین هستند. مطابق ماده (۷۷) قانون اساسی ژاپن، وضع قواعد مربوط به آیین دادرسی و امور مربوط به وکلا و مقررات راجع به نظم داخلی دادگاهها و اداره‌ی امور قضایی برعهده دیوان عالی می‌باشد. هم‌چنین دیوان عالی می‌تواند اختیار وضع قواعد مربوط به دیگر دادگاهها را به دادگاههای مزبور تفویض نماید. دیوان عالی ژاپن از ۱۵ نفر (یک رئیس و ۱۴ قاضی) تشکیل شده است. از این تعداد ۵ نفر غیرحقوقدان می‌باشند تا رأی دیوان یک‌طرفه نشود و مسائل اجتماعی را هم مدنظر قرار دهند. ۱۰ نفر حقوقدان عضو دیوان، باید حداقل ۲۰ سال سابقه کار قضایی داشته باشند. ساختار قوه قضائیه متشکل از دیوان عالی، هشت دادگاه عالی در هشت زیرمنطقه جغرافیایی اصلی، پنجاه دادگاه محلی در واحدهای اداری محلی، پنجاه دادگاه خانواده و ۴۳۸ دادگاه بخش در سراسر کشور است (The Japan Book, 2002 Edition, p. 45-46).

به موجب ماده (۷۸)، برکناری قضات در صورت بازخواست قانونی و با حکم قضایی مبنی بر این‌که قاضی مربوطه به دلیل عدم صلاحیت جسمی یا روانی قادر به انجام وظیفه قانونی خود نمی‌باشد، صورت می‌گیرد. هیچ‌گونه اقدام انتظامی توسط سازمانها و عوامل اجرایی علیه قضات به عمل نخواهد آمد. ماده (۷۹) این قانون، بیان می‌دارد: «دیوان عالی ژاپن، متشکل از رئیس و تعدادی قضات است». قضات مزبور به استثنای رئیس دیوان، توسط کابینه منصوب می‌شوند. پس از این انتصاب، مردم در نخستین انتخابات عمومی مجلس نمایندگان، انتصاب آنان را مورد تجدیدنظر قرار خواهند داد. به همین شکل پس از یک دوره‌ی ۱۰ ساله، در اولین انتخابات عمومی مجلس نمایندگان، بار دیگر تجدیدنظر صورت می‌گیرد. اگر اکثریت رأی‌دهندگان به برکناری قاضی رأی دهند، آن قاضی برکنار خواهد شد (کتاب سبز ژاپن، ۱۳۶۹). قضات پس از رسیدن به سن مشخص شده توسط قانون، بازنشسته خواهند شد. شایان ذکر است سن بازنشستگی برای قضات دیوان عالی ژاپن، ۷۰ سال و برای سایر دادگاهها، ۶۵ سال می‌باشد (معین‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۳۶).

ماده (۸۰) قانون اساسی ژاپن بیان می‌کند؛ قضات دادگاههای پایین‌تر از دیوان عالی، توسط کابینه و از میان افرادی که فهرست اسامی آنان توسط دیوان عالی تنظیم شده، منصوب می‌شوند. کلیه این قضات برای یک دوره ۱۰ ساله منصوب می‌گردند و انتصاب مجدد آنان بلامانع است. به موجب ماده (۸۱) قانون اساسی، دیوان عالی، آخرین مرجع قضایی و مسؤول تشخیص انطباق قوانین، فرامین و مقررات و مصوبات با قانون اساسی است. شایان ذکر است که دیوان مذکور نسبت به دعاوی اداری نیز مرجع تجدیدنظر محسوب می‌شود. ماده (۸۲) درباره محاکمات و صدور حکم دادگاهها، اصل علنی بودن را پذیرفته است. هرگاه دادگاهی به اتفاق آراء حکم دهد که علنی بودن محاکمه مخالف با اخلاق یا نظم عمومی است، محاکمه به صورت غیرعلنی انجام می‌شود. هم‌چنین رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی یا مواردی که در آنها حقوق مردم (مندرج در فصل سوم ق.ا.ژ.) مطرح باشد، همیشه به صورت علنی خواهد بود (واردی، ۱۳۷۴: ۱۷۹).

قوه قضائیه در نظام حقوقی ایران، نسبت به قوای دیگر مستقل است و به نوعی حائز استقلال ساختاری است (اصل ۵۷) و ذیل رهبری به ایفای وظایف قضائی مبادرت می‌کند. رئیس قوه قضائیه منصوب رهبری است (اصل ۱۵۷). در برخی نظامهای حقوقی؛ نظیر ژاپن و آمریکا، نهاد دادرسی اساسی ذیل قوه قضائیه تعریف شده است؛ در حالیکه در ایران، شورای نگهبان که بخش زیادی از وظایف نهاد دادرسی اساسی را در اختیار دارد، نهادی مستقل تلقی گردیده است که نصف اعضای آن منصوب رهبری‌اند و نصف دیگر منتخب مجلس شورای اسلامی می‌باشند (اصول ۹۹-۹۱). علی‌رغم پیش‌بینی استقلال قضائی در قانون اساسی (اصل ۱۶۴)، قوه مذکور در ایران همواره با قوه مجریه در اصطکاک بوده است و طرح لوایح قضائی (نظریه مشورتی شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ مورخ

۱۳۷۹/۷/۳۰ شورای نگهبان) و همچنین بودجه آن (اصل ۵۲) توسط قوه مجریه همواره محمل تسلط قوه مجریه بر قوه قضائیه بوده است؛ امری که می‌تواند مانعی در تحقق وظایف قوه قضائیه گردد و باید در راستای جلوگیری از آن در بازنگری قانون اساسی به آن توجه گردد.

## نتیجه‌گیری

پذیرش اصل تفکیک قوا در نظام حقوقی ایران و ژاپن، وجود پارلمان در دو کشور و قوه مجریه دورکنی از نقاط اشتراک این دو نظام حقوقی می‌باشد. نظام پارلمانی ژاپن نمونه‌ای از نظام‌های پارلمانی است که رئیس کشور در آن اختیارات قابل توجهی دارد که باعث می‌گردد؛ قابلیت هماهنگی با ساختارهای جمهوری اسلامی را داشته باشد؛ به خصوص اینکه ولی فقیه در جمهوری اسلامی ایران دارای اختیارات واقعی به عنوان رئیس کشور و نهادی که به تنظیم روابط قوای سه‌گانه می‌پردازد، می‌باشد. توجه به مقام رهبری به‌عنوان رئیس کشور و صلاحیت و اختیارات آن از یکسو و همچنین مطالعه‌ی نظام‌های حقوقی دیگر از جمله ژاپن بیانگر این نکته است که می‌توان نهاد نخست‌وزیری را جایگزین مناسبی برای ریاست جمهوری دانست؛ نهاد حقوقی ریاست جمهوری در نظام‌های ریاستی؛ نظیر فرانسه به‌عنوان رئیس کشور دارای اختیاراتی است که در نظام جمهوری اسلامی در حیطه وظایف و اختیارات رهبری آمده است و طبیعی است که کشور دارای رؤسای متعدد نمی‌تواند باشد. در نظام‌های پارلمانی قوه مجریه عهده‌دار امور اجرایی کشور است. با توجه به وضعیت ژاپن و ثبات سیاسی حاکم در بخش اجرایی کشور، ایده رهبری-نخست‌وزیری نسبت به تئوری رهبری-رئیس‌جمهوری کارآیی بهتری خواهد داشت.

در حوزه قوه مقننه؛ نظام پارلمانی و معرفی دایت ملی به عنوان عالی‌ترین رکن حکومتی و انحصار قانون‌گذاری از نقاط ممتاز نظام حقوقی ژاپن است. در جمهوری اسلامی ایران تعدد نهادهای قانون‌گذاری همواره باعث آسیب‌های متعددی شده است. اقتباس از نظام حقوقی ژاپن در زمینه انحصار مقام صالح تقنین و یا تخصصی نمودن نهادهای صالح در کشور می‌تواند به تشدید هنجاری پایان دهد. به‌علاوه در تمام نظام‌های پارلمانی؛ از جمله در ژاپن احزاب نقش ویژه و مناسبی در انتخابات پارلمان دارند که این امر سبب بهبود تقنین در کشور می‌گردد.

## منابع و مآخذ

### الف) فارسی

۱. ارسطو، سیاست، ترجمه حمید عنایت (۱۳۴۹)، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم
۲. سفارت جمهوری اسلامی ایران، بررسی تحولات ژاپن (۱۳۷۹)، تهران: سفارت جمهوری اسلامی ایران، توکیو.
۳. جعفریان، رسول (۱۳۶۹)، بررسی و تحقیقی در جنبش مشروطه، قم، انتشارات طوس، چاپ اول
۴. جعفری‌ندوشن، علی‌اکبر (۱۳۸۳)، تفکیک‌قوا در حقوق ایران- آمریکا و فرانسه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول
۵. رحیمی، مصطفی (۱۳۴۷)، قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی، تهران، انتشارات کتابخانه ابن‌سینا، چاپ اول
۶. رئیس‌نی، مجید (۱۳۷۲)، ساختار سیاسی ژاپن، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
۷. روسو، ژان، قرارداد اجتماعی، ترجمه‌ی زیرک زاده (۱۳۴۱)، غلامحسین، تهران، انتشارات شرکت سهامی چهر، چاپ چهارم
۸. شعبانی، رضا (۱۳۹۰)، مبانی تاریخ اجتماعی ایران، تهران: نشر قومس
۹. شعبانی، قاسم (۱۳۹۵)، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی، تهران، مؤسسه اطلاعات، چاپ سوم

۱۰. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، کتاب سبز ژاپن (۱۳۶۹)، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۱. طباطبائی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۰)، حقوق اساسی، تهران، میزان، چاپ اول
۱۲. عادل، سیدمحمدحسین (۱۳۶۷)، بازسازی و رشد بعد از جنگ در ژاپن، تهران، مرکز فرهنگی نشر رجاء
۱۳. عباسی، بیژن (۱۳۸۹)، مبانی حقوق اساسی، تهران، جنگل
۱۴. فلاح‌زاده، محمدعلی (۱۳۹۱)، تفکیک تقنین و اجراء تحلیل مرزهای تقنینی در روابط قوای مقننه و مجریه، تهران، معاونت حقوقی ریاست جمهوری، چاپ اول
۱۵. قاضی، ابوالفضل (۱۳۶۸)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، دانشگاه تهران
۱۶. لک‌زایی، شریف (۱۳۸۵)، توزیع و مهار قدرت در نظریه ولایت‌فقیه، تهران، کانون اندیشه جوان، چاپ اول
۱۷. لیوینگستون، جون و مور، جو و اولدفادر، فلیشیا (۱۳۷۵)، شناخت ژاپن، ترجمه: احمد بیرشک، تهران، انتشارات خوارزمی، ج ۲
۱۸. مدنی، جلال‌الدین (۱۳۶۴)، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم
۱۹. مرتون، اسکات (۱۳۶۴)، تاریخ و فرهنگ ژاپن، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، تهران: چاپخانه سپهر
۲۰. معین‌زاده، مریم (۱۳۸۱)، برآورد استراتژیک ژاپن، سرزمینی - سیاسی، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران
۲۱. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۹۳)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر میزان، ج ۲
۲۲. واردی، محمد (۱۳۷۴)، ژاپن، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
۲۳. ویلیام جی. بیزلی (۱۳۹۳)، ظهور ژاپن مدرن، نگاهی به مشروطه ژاپنی، ترجمه: شهریار خواجهیان، تهران، انتشارات ققنوس

## ب) لاتین

۲۴. ACQUAVIVA (J.-C), Droit constitutionnel et institutions politiques, Paris, Gualino, 2005
۲۵. Baerwald, Hans H. (2010), Japan's Parliament: An Introduction, Cambridge University Press.
۲۶. Edward M. Martin (1948), *The Allied Occupation of Japan*, Stanford, Stanford U.P.
۲۷. *Japan Pocket Guide*, 2002 Edition, Foreign Press Center, Tokyo
۲۸. Joseph Pittau (1967), *political Thought in Early Meiji Japan 1868-1889*, Cambridge, Mass., Harvard U.P.
۲۹. *Kodansha Encyclopedia of Japan* (1983), 9 vols., Tokyo & New York, Kodansha, II
۳۰. Richard, H. Minear (1970), *Japanese Tradition and Western Law*, Cambridge, Mass., Harvard U.P.
۳۱. Robbers, Gerhard (2007), *Encyclopedia of World Constitutions*, New York: Facts On File.
۳۲. Saudi, Hageman (1972), *Japan in Cement World Affairs 1970-73*, Japan Times Ltd, Tokyo
۳۳. Tamás, Csaba Gergely (2012), *The Birth of the Parliamentary Democracy in Japan*, Nr./No.33, zjapanr, Max-Planck-Institut für ausländisches und internationales Privatrecht, pp: 145-167.
۳۴. *The Japan Book* (2002), Kodansha Int, 1 Edition.

## ج) پایگاه‌های داده

۳۵. <http://www.jin.jcic.or.jp>
۳۶. [http://www.yahoo.com/countries/Japan/Governmental Structure of Japan, htm1.20.1.03](http://www.yahoo.com/countries/Japan/Governmental%20Structure%20of%20Japan,html.20.1.03)
۳۷. [http://www.yahoo.com/Lounthes/Japan/Governmental strategy of Japan, htm.20.1.03](http://www.yahoo.com/Lounthes/Japan/Governmental%20strategy%20of%20Japan,html.20.1.03)
۳۸. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17597>



(د) قوانین

۳۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ و اصلاحیه ۱۳۶۸

۴۰. قانون اساسی مشروطه ایران مصوب ۱۲۸۵ و متمم آن مصوب ۱۲۸۶

۴۱. قانون اساسی ژاپن مصوب ۱۸۸۹ و اصلاحیه ۱۹۴۷

